

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

امربه معروف

ونہی از منکر

دوره ہفتم، شماره پانجم

دوره هفتم، شماره هیجدهم / ۳

نام جزوه: امر به معروف و نهی از منکر
نویسنده: هیأت تحریریه موسسه درراه حق

ناشر: موسسه درراه حق

نوبت چاپ: مکرر

تاریخ چاپ: ۱۳۹۷ هـ ش

چاپخانه: سلمان فارسی

نشانی: قم، خیابان آیت‌الله مرعشی نجفی (ارم)

کوچه ۲۰ - پلاک ۱۰ - موسسه درراه حق

تلفن: ۲-۳۷۷۴۳۲۲۱ (۰۲۵)

www.darrahehaq.com

سامانه پاسخگویی پیامکی: ۱۰۰۰۲۲۲۳۳۳

رایگان

فهرست مطالب

- ویژه‌گی‌های یک ملت زنده..... ۵
- تولی ضامن وحدت و ارتقاء..... ۹
- تبری حافظ موجودیت‌ها..... ۱۲
- هدف از تبری..... ۱۷
- شبهت به کفار و تقلید از آنان..... ۲۱
- خطرناک‌ترین عامل سقوط..... ۲۶
- مرزهای همکاری و دوستی با کفار..... ۲۸

دوره هفتم، شماره هیجدهم / ۵

ویژه‌گی‌های یک ملت زنده

ارگانیزم بدن آدمی بر هماهنگی و پیوستگی بناشده است. از یک طرف با این هماهنگی برای نیازهای درونی پاسخ موافق و همراه، دارد و از سوی دیگر به دفاع از تجاوز دشمن خارجی برمی‌خیزد و نظام پیوسته‌ی تن را از هر خطر حفظ می‌کند.

گلبول‌های سفید خون، در برابر دشمن حالت دفاعی دارند، همین‌که هجوم عوامل بیگانه و میکروب‌های زیانمند را مشاهده کردند، سنگر می‌بندند، و از پای نمی‌نشینند تا دشمن را نابود کنند و یا خود کشته شوند.

۶ / امر به معروف و نهی از منکر

این وحدت در جبهه‌گیری و هماهنگی و پیوستگی، جزء نظام آفرینش است و هیچ اجتماعی از این اصل، فارغ نیست. مسلمان نیز، باید بداند که عضو جامعه‌ی اسلامی و جزئی است از این کلّ و این، خواه‌وناخواه شرایط و حدودی را ایجاب می‌کند.

روابط دوستانه و صمیمانه‌ی مسلمان با مسلمان دیگر باید در حد و درخور عضویت در یک پیکر و جزئیّت در یک کل، باشد نیز روابط عضو پیکر اسلامی، با دیگر اعضاء آن و با اعضاء پیکر غیر اسلامی، باید به گونه‌ی بی‌باشد که به وحدت و استقلال جامعه اسلامی آسیبی وارد نسازد.^۱

۱. به کتاب ولاءها و ولایتها مراجعه شود.

دوره هفتم، شماره هیجدهم / ۷

ملت های زنده و بیدار نیز، همواره از این اصل پیروی می کنند و دوست و دشمن را با یک چشم نمی نگرند. یک انسان روشن، آگاه متعهد و مسؤول، نمی تواند در ظاهر با خدا باشد و در باطن با طاغوت و عوامل طاغوتی. از یک سو، دوستی امام حسین (علیه السلام) را در دل پرورد و از آن دم بزند و از دیگر سو، بایزید و عوامل یزید کنار آید، تنها ابوهریره ها، می توانند هم بر سفره ی معاویه بنشینند و هم در نماز حضرت علی (علیه السلام) حاضر شوند. به طور کلی، ملت های آگاه و انسان های روشن، روش خود را نسبت به دوست و دشمن روشن می کنند و این روش مبتنی بر دو اصل اساسی است:

۸ / امر به معروف و نهی از منکر

- ۱ - هم بستگی و دوستی با افراد هم کیش و هم هدف، به ویژه رهبران و پیشوایان.
- ۲ - تنفّر و بیزاری از بیگانه‌ها و عناصر فاسد و خطرناک.

این است اصول سیاست در روابط ملت‌های زنده و مستقل و آزاد جهان، از یک سو حفظ روابط دوستانه و برادرانه با افراد هم رزم و هم فکر خویش، نیروی داخلی را استوار می‌کند و از دیگر سوی با طرد بیگانگان حدود استقلال خود را محفوظ می‌دارند.

این همان دو اصل اساسی اسلام «توّلّی و تبرّی» است که در قرآن به عنوان دو صفت ممتاز و مهم در مورد یاران پیامبر (صلی الله علیه وآله) و مجاهدان

دوره هفتم، شماره هیجدهم / ۹

صدر اسلام ذکر شده است. «مُحَمَّدٌ رَسُولُ اللَّهِ وَالَّذِينَ مَعَهُ أَشِدَّاءُ عَلَى الْكُفَّارِ رُحَمَاءُ بَيْنَهُمْ»^۱. محمد (صلی الله علیه و آله) فرستاده‌ی خدا است و کسانی که با او هستند بر کافران سختگیر و باهم مهربانند.

گرچه تمام مکتبها و احزاب و ادیان، برای خود، نوعی تولی و تبری دارند، ولی اسلام بهترین را داراست و آن را با ایمان، عقیده و عمل آمیخته است تا استوارتر و سازنده تر باشد. اینک از چشم انداز ویژه ای این دو اصل را بررسی می‌کنیم.

تولی ضامن وحدت و ارتقاء

تولی یعنی دوستی با دوستان خدا، و پذیرش «ولایت امر» و رهبری رهبران پاک خدا.

۱۰ / امر به معروف و نهی از منکر

بی‌شک بر اساس این اصل، انسان می‌تواند خود را عضو یک پیکر (جامعه‌ی اسلامی) بداند، با این طرز فکر، اجتماع به هم پیوسته و هماهنگ می‌شود، و در سایه‌ی آن می‌تواند استقلال و عزت خود را همواره حفظ کند.

قرآن کریم می‌فرماید: «وَالْمُؤْمِنُونَ وَالْمُؤْمِنَاتُ بَعْضُهُمْ أَوْلِيَاءُ بَعْضٍ يَأْمُرُونَ بِالْمَعْرُوفِ وَيَنْهَوْنَ عَنِ الْمُنْكَرِ»^۱

مردان و زنان مؤمن، برخی «ولی» برخی دیگرند، به معروف، امر و از منکر، نهی می‌کنند. جمله‌ی «يَأْمُرُونَ بِالْمَعْرُوفِ وَيَنْهَوْنَ عَنِ الْمُنْكَرِ» که در پایان آیه آمده، یادآور اصلی است که بیان کردیم،

دوره هفتم، شماره هیجدهم / ۱۱

زیرا در اجتماعی که افراد آن با دوستی، به هم پیوسته باشند، نمی‌توانند نسبت به یکدیگر بی‌تفاوت بمانند و به سرنوشت هم، علاقه مند نباشند، پس هرگاه یک نفر، «معروفی» را ترک می‌کند، دیگران به او گوشزد می‌کنند و هنگامی که منکری می‌بینند، درصدد اصلاح آن برمی‌آیند. همین آیه، شاهد آن است که محبت مسلمانان نسبت به هم، منشاء مسؤولیت و تعهد است، چرا که اگر این مسؤولیت احساس نمی‌شد، امر به معروف و نهی از منکر نمی‌کردند. ضمناً افراد جامعه‌ی اسلامی، در سایه‌ی دوستی ویژه‌ی بی‌که به رهبر دینی خویش دارند، به همه‌ی خوبی‌ها رهنمون می‌شوند.^۱

۱. ولاءها و ولایت‌ها، ص ۲۶ - ۲۰ مراجعه شود.

۱۲ / امر به معروف و نهی از منکر

رهبر بزرگ اسلام، امام باقر (علیه السلام) فرموده اند: «بُنِيَ الْإِسْلَامُ عَلَى خَمْسَةِ أَشْيَاءَ عَلَى الصَّلَاةِ وَالزَّكَاةِ وَالْحَجِّ وَالصَّوْمِ وَالْوَلَايَةِ...» اسلام بر پنج اساس بنا شده است نماز - زکات - حج - روزه و ولایت. زراره یکی از شاگردان برجسته امام (علیه السلام) می پرسد رمزینهاست؟ می فرمایند ولایت، چون کلید همه ی آنهاست و نیز به خاطر این که، ولیّ راهنما و دلیل دیگران است^۱.

تبری حافظ موجودیت ها
تبری یعنی بیزاری از دشمنان خدا و سرباززدن از
اطاعت و قبول رهبری آنان.

۱. وسائل الشیعه، ج ۱، ص ۸ - ۷.

دوره هفتم، شماره هیجدهم / ۱۳

حوزه‌ی اسلام در صورتی مصون از آفات می‌ماند که با بیگانگان روابطی محدود داشته باشد و گرنه بیگانگان در میان آنان نفوذ می‌کنند و با سم پاشی، پیکره‌ی وحدت و هماهنگی مسلمانان را مسموم می‌سازند و به اختلاف‌ها دامن می‌زنند و مسلمانان را به کفر و فساد، سوق می‌دهند و ذخائر طبیعی و خداداد آن‌ها را به یغما می‌برند. قرآن کریم می‌فرماید: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَتَّخِذُوا آبَائِكُمْ وَ إِخْوَانَكُمْ أَوْلِيَاءَ إِنِ اسْتَحَبُّوا الْكُفْرَ عَلَى الْإِيمَانِ وَمَنْ يَتَوَلَّهُمْ مِنْكُمْ فَأُولَئِكَ هُمُ الظَّالِمُونَ»^۱ ای گرویدگان، اگر پدران و برادرانتان کفر را به جای ایمان برگزیدند،

۱۴ / امر به معروف و نهی از منکر

آنان را اولیاء خود نگیرید و هر که چنین کند از ستمکاران است.^۱

و درباره‌ی منافقین می‌فرماید:

«...وَدُّوَالَّذِينَ كَفَرُوا كَمَا كَفَرُوا فَتَكُونُونَ سَوَاءً

فَلَا تَتَّخِذُوا مِنْهُمْ أَوْلِيَاءَ» آنها دوست داشتند شما نیز،

مانند آنان کافر شوید و با هم یکسان گردید، پس از

میان ایشان ولیّ و سرپرست و رهبر برنگزینید.^۲

مسلمانان به این مسأله‌ی مهم و حیاتی، اهمّیت

برادری و فرزندی، با کافر و مشرک همکاری کنند. و

اگر پیش می‌آمد، از جنگ و مبارزه‌ی با آنان

نمی‌هراسیدند و سرباز نمی‌دزدند.

۱. سوره‌ی توبه، آیه‌ی ۲۲.

۲. سوره‌ی نساء، آیه‌ی ۸۹.

دوره هفتم، شماره هیجدهم / ۱۵

حضرت علی (علیه السلام) وضع مسلمانان

فداکار صدر اسلام را چنین توصیف می فرمایند:

«لَقَدْ كُنَّا مَعَ رَسُولِ اللَّهِ - صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ

- نَقُتِلُ آبَائَنَا وَأَبْنَاؤَنَا وَإِخْوَانَنَا وَ أَعْمَامَنَا، مَا يَزِيدُنَا

إِلَّا إِيمَانًا وَ تَسْلِيمًا»^۱.

ما با پیامبر (چنان بودیم که) پدران، فرزندان،

برادران و عموهای خود را می کشتیم و این کار جز

این که ایمان و تسلیم ما را می افزود اثر دیگری

نداشت یعنی حق را بر هر چیز برتری می دادیم و

برای برپاداشتن آن، حتی با خویشان خود

می جنگیدیم.

ابوسفیان برای ملاقات پیامبر اسلام (صلی الله علیه وآله) به مدینه آمد و به منزل دختر خود ام حبیبه همسر حضرت رسول (صلی الله علیه وآله) داخل شد و چون خواست بر فرشی که جایگاه پیامبر (صلی الله علیه وآله) بود، بنشیند، دخترش فرش را جمع کرد، ابوسفیان گفت دخترم نفهمیدم، نمی‌خواهی من روی آن بنشینم؟ (آن را لایق من نمی‌بینی؟) جواب داد: این فرش جایگاه پیامبر (صلی الله علیه وآله) است و تو مردی مشرک و نجس هستی، دوست ندارم بر فرش رسول خدا (صلی الله علیه وآله) بنشینم.^۱

دوره هفتم، شماره هیجدهم / ۱۷

هدف از تبری

اسلام نمی‌گوید مسلمان باید با غیرمسلمان هیچ‌گونه ارتباطی نداشته باشد، بلکه چون آیینی جهانی و همگانی به یک مکان یا زمان خاص، اختصاص ندارد، آغوش خود را برای پذیرش همه‌ی ملت‌ها باز گذارده است و این خود لازم می‌دارد که با دیگران بی‌ارتباط نباشد.

پس «تولی» و «تبری» مفهوم خاصی دارد که با اصل جهانی بودن اسلام سازگار است، باید گفت یکی از اهداف اسلام از «تولی و تبری» این است، که مسلمان باید دستورهای رهبر دینی و پیشرو خود را ایفا کند، نه این‌که مجری طرح و نقشه‌ی بیگانگان باشد، او باید نسبت به بیگانگان الهام‌دهنده باشد نه

۱۸ / امر به معروف و نهی از منکر

الهام‌گیرنده و مقلد و دنباله‌رو، او باید از این‌که کافران را ولی و سرپرست خویش قرار دهد، اکیداً بپرهیزد. از این‌رو، قرآن در بسیاری از آیات به مسلمانان هشدار داده است که بیگانگان کافر را ولی و متصدی امور خود قرار ندهید و از فرمانشان اطاعت نکنید، زیرا این‌گونه آقابالاسری‌ها اثر فکری و روانی دارد و سرانجام مسلمانان را تحت تأثیر قرار می‌دهد. پذیرش ولایت و سرپرستی آنان سبب می‌شود که الگو شوند و مسلمانان پیرو آنان باشند، این کار برای جامعه‌ی اسلامی خطرات بسیاری دارد.

قرآن در این باره می‌فرماید: «ای مؤمنان، کافران را به جای مؤمنین اولیاء خویش نگیرید و هر که چنین

دوره هفتم، شماره هیجدهم / ۱۹

کند بهره‌ای از ولایت خدا ندارد و از اولیاء و در حزب او نیست»^۱.

در جای دیگر درباره‌ی چنین افرادی که کفار را به عنوان سرپرستی پذیرفته اند می‌فرماید: «الَّذِينَ يَتَّخِذُونَ الْكَافِرِينَ أَوْلِيَاءَ مِنْ دُونِ الْمُؤْمِنِينَ أُلِّفْتُمْ عَنْهُمْ الْعِزَّةَ فَإِنَّ الْعِزَّةَ لِلَّهِ جَمِيعاً»^۲.

کسانی که کافران را به‌جای مؤمنان، اولیاء (خویش) می‌گیرند آیا عزت را نزد آنان می‌جویند؟ همانا تمامی شرف و عزت نزد خدا است. پیوند با کفار، پذیرش آنان بر مؤمنین، خطر بزرگی است که مسلمان باید از آن بهراسد، ملتی که

۱. سوره‌ی آل عمران، آیه ۲۸.

۲. سوره‌ی نساء، آیه‌ی ۱۳۹.

۲۰ / امر به معروف و نهی از منکر

در سرنوشت خود نفوذ بیگانه را لمس کند و آن را در شریان‌های زندگی خویش جاری ببیند، کم‌کم بدان خود می‌گیرد و روح مقاومت، مبارزه‌ی با بیگانگان و استقلال‌طلبی، در او می‌میرد. پیوند با دشمنان دین، در فکر و روان تأثیر شگرفی دارد و موجب می‌شود ایمان به خدا، پیامبر، معاد، قرآن و قوانین کامل اسلام، به سستی و یا نابودی بیانجامد، و جامعه را به الحاد، لاابالیگری، در امور دینی و فساد و گناه بکشانند و چون افراد، چنین شدند، برای یغماگران استعمارگر که در کمین نشسته‌اند و نقشه طرح می‌کنند، راه هموار می‌شود تا بر ذخایر مادی و معنوی آنان دست یابند، و چپاول کنند و این است

دوره هفتم، شماره هیجدهم / ۲۱

همان ضرر بزرگ یعنی از کف دادن سیادت و عزت و پوشیدن جامه‌ی ننگ و ذلت.

دشمنان دین همیشه می‌کوشند، برای نفوذ به جامعه‌ی اسلام طرح دوستی بریزند و آن را پلی برای آرمان‌های خویش قرار دهند و تا ما را پیرو نقشه‌های خود نکنند، از پای نمی‌نشینند چنان‌که قرآن عزیز می‌فرماید: «وَلَنْ تَرْضَىٰ عَنْكَ الْيَهُودُ وَلَا النَّصَارَىٰ حَتَّىٰ تَتَّبِعَ مِلَّتَهُمْ»^۱ یهود و نصاری هرگز از تو خشنود نمی‌شوند، مگر این‌که آیین آنان را متابعت کنی.

شبهت به کفار و تقلید از آنان

اسلام، به استقلال جامعه‌ی اسلامی، چنان اهمیت می‌دهد که راضی نیست به آن اندکی آسیب

۲۲ / امر به معروف و نهی از منکر

معنوی و مادی وارد آید و از این رو با هرگونه عاملی که به ضرر این انگیزه‌ی اسلامی است می‌جنگد. حتی مسلمان را از تقلید کافران در لباس و غذایشان باز می‌دارد و بدین ترتیب راه نفوذ را بر بیگانگان می‌بندد.

رسول اکرم (صلی الله علیه و آله) می‌فرمود: لباس دشمنان مرا نپوشید، غذاهای دشمنان مرا نخورید، راه آنان را نیمایید که مانند آنان دشمنان من می‌شوید.^۱ علی (علیه السلام) می‌فرماید: این امت، مادام که لباس بیگانه نپوشد و طعام بیگانه را نخورد، در

۱. وسائل الشیعه، ج ۱۷، ص ۲۹۰، قال رسول الله (صلی الله علیه و آله) لا تلبسوا لباس اعدائی و لا تطعموا مطاعم اعدائی و لا تسلكوا مسالك اعدائی فتكونوا اعدائی كما هم اعدائی.

دوره هفتم، شماره هیجدهم / ۲۳

رستگاری است و چون چنین کند خدا بر او نشان
ذلت می زند^۱.

ابن خلدون در بازدیدی که از اندلس اسلامی
(اسپانیای فعلی) به عمل آورد در کتاب خود (مقدمه)،
آثار نفوذ مسیحیان را چنین می نگارد: «...چنان می بینم
آنان را که در لباس ها، مدال ها و بسیاری از حالات،
حتی در ترسیم تمثال ها بر دیوارها و کارخانه ها و
خانه ها از اجانب هم جوار خود تقلید می کنند که هر
بیننده یی که از روی خرد بنگرد می فهمد، همین

۱ . وسائل، ج ۳، ص ۳۵۶؛ لاتزال هذه الامة بخير مالم يلبسوا
لباس العجم و يطعموا اطعمة العجم فاذا فعلوا ذلك ضربهم الله
بالذل.

۲۴ / امر به معروف و نهی از منکر

علامت استیلاء اجانب بر آنها است^۱. و باکمال تأسّف دیدیم که در اثر همین سهل‌انگاری، سرانجام کشور اسلامی و متمدّن اندلس به یک کشور صد درصد مسیحی (اسپانیا) مبدل شد.

رازداری

یکی از عوامل مهم پیروزی و استقلال حفظ اسرار مهم نظامی، سیاسی، اقتصادی و غیره از بیگانگان است، بسا پیش آمده است که افشای یک راز، موجب شکست یک طرف و پیروزی طرف دیگر شده است.

قرآن کریم درباره‌ی این نکته‌ی حسّاس چنین یادآور می‌شود: ای کسانی که ایمان آورده‌اید از غیر خودتان محرم اسرار نگیرید که آنان در ایجاد فساد و

۱. مقدّمه‌ی ابن خلدون، ص ۱۲۴.

دوره هفتم، شماره هیجدهم / ۲۵

زیان رساندن به شما کوتاهی نمی‌کند بدبختی و مشکلات شمارا دوست می‌دارند و حتی آرزو می‌کنند نشانه‌های بغض و کینه از گفتارهایشان هویداست و آنچه در سینه‌ها پنهان دارند بزرگ‌تر است!^۱

این آیه به مؤمنان هشدار می‌دهد که رازشان را به غیر خودشان نگویند و بیگانگان از دین را محرم اسرار خویش نپندارند، زیرا کفار هراندازه که بتوانند، از اذیت مسلمانان و ضرر رساندن به آنان کوتاهی نمی‌کنند و دوستی ظاهری آنان نباید مؤمنان را بفریبد، اینان نه تنها خیر و راحتی مسلمانان را نمی‌خواهند، بل همواره دوست دارند که در رنج

۱. سوره‌ی آل عمران، آیه‌ی ۱۱۸.

۲۶ / امر به معروف و نهی از منکر

باشند. دل‌هایشان نسبت به حق پرستان از کینه لبریز است، تا آنجا که حتی از گفتارشان پیدا است.

خطرناک‌ترین عامل سقوط

امروز دیگر بر همه روشن شده است که اتکاء بر سیاست و قدرت و بر تعهدات و پیمان‌های ابرقدرت‌ها چقدر زیان‌بار است چه بسا پایدارترین و عزیزترین هم‌پیمانان خود را در سخت‌ترین شرایط، در سراشیب سقوط و مرگ و ذلت تنها رها ساختند و به یاری‌شان نشتافتند.

در جهان‌بینی اسلام، مسلمانان از اتکاء به کافران نهی شده‌اند، قرآن در این زمینه می‌فرماید:

«وَلَا تَرْكُنُوا إِلَى الَّذِينَ ظَلَمُوا فَتَمَسَّكُمُ النَّارُ وَ مَا لَكُمْ

دوره هفتم، شماره هیجدهم / ۲۷

مِنْ دُونِ اللَّهِ مِنْ أَوْلِيَاءٍ ثُمَّ لَا تُنصَرُونَ^۱» به کسانی که
ستم کردند میل نکنید و (محبت نورزید) که در آتش
درمی افتید و جز خدا، ولیّ و سرپرستی ندارید و
سپس یاری نخواهید شد.

در جای دیگر می فرماید: دسته یی را نمی یابی
که به خدا و روز واپسین ایمان داشته باشند (و در
همان حال) با کسانی که با خدا و پیامبرش دشمنی
می ورزند دوستی کنند، گرچه پدران، فرزندان،
برادران و یا عشیره ی آنان باشند. اینانند که خدا ایمان
را در قلب هایشان ثابت قرار داده و آنان را به نور
ایمان تایید فرموده است و آنان را به باغ هایی که در
آنها نهرها جاری است وارد می سازند که همیشه در

۲۸ / امر به معروف و نهی از منکر

آنجا باشند، خدا از آنان راضی و آنها نیز از خدا
خشنودند، آنان حزب خدا هستند، آگاه باشید که تنها
حزب خدا رستگار است.^۱

مرزهای همکاری و دوستی با کفار

از بررسی مجموع آیات و روایات برمی آید که نیکی
با کفار در صورتی از نظر اسلام بدون اشکال است که
زیانی برای اسلام و مسلمانان نداشته باشد به ویژه
نسبت به آنان که در پناه اسلام و در ذمه‌ی مسلمانان

۱ . سوره‌ی مجادله، آیه‌ی ۲۲؛ لا تجد قوماً یؤمنون بالله و الیوم
الآخر یوادون من حادالله و رسوله ولو كانوا آبائهم او ابنائهم
او اخوانهم او عشیرتهم اولئک کتب فی قلوبهم الایمان و ایدهم
بروح منه و یدخلهم جنات تجری من تحتها الانهار خالدین
فیها رضی الله عنهم و رضو عنه اولئک حزب الله الا ان حزب
الله هم المفلحون.

دوره هفتم، شماره هیجدهم / ۲۹

نداشته باشد به‌ویژه نسبت به آنان که در پناه اسلام در
ذمه‌ی مسلمانان هستند و به تعهدات و مقررات ذمه
پای بندند - قرآن می‌فرماید: «لَا يَنْهَيْكُمْ اللَّهُ عَنِ الَّذِينَ
لَمْ يُقَاتِلُوكُمْ فِي الدِّينِ وَلَمْ يُخْرِجُوكُمْ مِنْ دِيَارِكُمْ
أَنْ تَبْرُوهُمْ وَتُقْسَطُوا إِلَيْهِمْ إِنْ اللَّهُ يُحِبُّ الْمَقْسَطِينَ».

خداوند شما را از نیکی کردن و رعایت عدالت
نسبت به کسانی که در اثر دین با شما پیکار نکردند و
از خانه و دیارتان بیرون نراندند، نهی نمی‌کند؛
چراکه خداوند عدالت‌پیشگان را دوست دارد.^۱

البته باید توجه داشت که درعین حال، با آنان
صمیمیت نمی‌توان داشت و می‌باید برنامه‌ی رفتار
یک مسلمان با کافر، خالی از عنایت‌های خاص یک

۳۰ / امر به معروف و نهی از منکر

مسلمان با مسلمان دیگر باشد. مسلمان هیچ‌گاه نمی‌تواند کافر را عضو پیکری بداند که خود جزئی از آن است، ولی اگر کافرانی وجود داشته باشند که با عناد و دشمنی نسبت به مسلمانان رفتار می‌کنند و معاشرت با آنان به اخلاق و عقیده مسلمانان ضرر می‌رساند، و یا موجب نفوذ عوامل بیگانه می‌گردد باید از هر نوع کار و دوستی با آنان، به طور کلی، اجتناب کرد؛ و اگر ارتباط با آنان، موجب تفوق و برتری آنان می‌شود، باید این ارتباط، ترک شود، مثلاً معامله با کفار اگرچه به طور کلی حرام نیست، ولی اگر معامله با کفار موجب تقویت آن‌ها باشد، حرام و به ویژه فروش اسلحه و مهمات به آنان نشانه‌ی کفر است.

دوره هفتم، شماره هیجدهم / ۳۱

رسول اکرم (صلی الله علیه وآله) در گفتاری خطاب به علی (علیه السلام)، فروش اسلحه به کفار حربی را کفر به خدای بزرگ شمرده‌اند^۱ و نیز امام باقر (علیه السلام) می‌فرماید: «... فمن حمل الی عدونا سلاحا يستعینون به علينا فهو مشرک^۲»... هر که اسلحه به دشمن ما برساند تا او بر ضد ما به کار برد، مشرک است.

بشردوستی هیچ‌گاه ایجاب نمی‌کند که عناصر پلید و فاسد را علیه جامعه‌ی مسلمانان کمک کنیم و به آنان مهر بورزیم بلکه به عکس می‌باید جلو تجاوز

۱. وسائل الشیعه، ج ۱۲، ص ۷۱، ح ۷ و ص ۶۹، ح ۲.

۲. وسائل الشیعه، ج ۱۲، ص ۷۱، ح ۷ و ص ۶۹، ح ۲.

۳۲ / امر به معروف و نهی از منکر

آن‌ها را بگیریم و آنان را تضعیف کنیم که به ضرر جامعه‌ی مسلمان، گام برندارند.

اسلام همواره عزّت و اقتدار مسلمانان را خواستار است، هیچ‌گاه راضی نیست مسلمانان به ذلّت تن دهند و حتّی در مسائل خیلی ساده و عادی نیز، از کفّار واپس بمانند. «وَلَا تَهِنُوا وَلَا تَحْزِنُوا وَأَنْتُمْ الْأَعْلَوْنَ إِنْ كُنْتُمْ مُؤْمِنِينَ»^۱. از این رو فرمان می‌دهد کفّار ذمی حق ندارند دیوار ساختمان‌های خود را از ساختمان همسایه‌ی مسلمان خود فراتر بسازند و نمی‌باید مسلمانان را اذیت کنند یا به اموال مسلمانان دستبرد بزنند و یا جاسوس ضد اسلامی را پناه بدهند و یا در اسرارشان تجسس کنند و غیره... .

۱. سوره‌ی آل‌عمران، آیه‌ی ۱۳۹.

دوره هفتم، شماره هیجدهم / ۳۳

جای تأسف است که جامعه‌ی اسلامی در اثر دوری از حقایق اسلامی و در اثر فاصله گرفتن از قوانین دین، اقتدار و عظمت خود را ازدست داده است و این درد سوزناکی است که هر مسلمان آگاهی را رنج می‌دهد.

یکی از مظاهر تبرّی این است که مسلمان فرزند خود را با نام دشمن اسلام، نام گذاری نکند. امام موسی بن جعفر (علیهماالسلام) در حضور پدر ارجمندشان به یکی از یاران پدر فرمودند نامی که دیروز بر دخترت نهادی تغییر بده، چون نام دشمن است.^۱

۱. وسائل الشیعه، ج ۱۵، ص ۱۲۶ و ۱۲۳.

در پایان به این نکته اشاره می‌کنیم که گاهی محبت شخصی کافر و بیگانه در دل انسان جای می‌گیرد، مثلاً در اثر خدمتی که طیب معالج به بیماری انجام داده و یا ثروتمندی از مستمندی دستگیری کرده است، بی‌اختیار دوستی آن طیب و یا ثروتمند در دل بیمار و مستمند، جا می‌گیرد، اگرچه کافر باشد و یا این‌که شخص روی نسبت خویشاوندی، محبتی به شخص کافر پیدا می‌کند باید گفت این‌گونه محبت‌ها اگر موجب نفوذ بیگانگان نشود و دست آنان را به کارهای مسلمانان باز نکند و نیز اگر این دوستی، به خاطر کفر آن‌ها نباشد، بلکه در حقیقت تنها کار آنان مورد رغبت و میل و محبت قرار گرفته باشد نه عقیده‌ی فاسد آنان، اشکال ندارد

دوره هفتم، شماره هیجدهم / ۳۵

و اما اگر کسی کافران را برای خاطر کفرشان دوست
بدارد، گرچه تنها در چارچوبه ی دل، ممنوع است؛
یعنی وظیفه آن است که علاوه بر این که مسلمان نباید
کفار را سرپرست خود قرار دهد، نباید آن ها را از
جهت کفرشان دوست داشته باشد، یعنی علاوه بر
آن که باید در جهت ولایت و سرپرستی آنان باکمال
دقت تبری کند، قلباً هم باید از آنان بیزار باشد و کافر
را به خاطر کفرش باید دشمن داشت و با یک تأمل و
دقت می توان گفت کسی که دوستدار حق و حقیقت
و خدا باشد، امکان ندارد قلب او جایگاه دوستی
باطل و خلاف حق و دشمن خدا گردد.

«ما جَعَلَ اللهُ لِرَجُلٍ مِّنْ قَلْبَيْنِ فِيْ جَوْفِهِ»^۱

۳۶ / امر به معروف و نهی از منکر

خدا - برای کسی - دو دل در سینه‌ی او،

نیافریده است.